



نیمی آب نیمی آسمان

مجموعه‌ای از انوش علی اصغری



سرشناسنامه: علی اصغری، انوش، ۱۳۴۸-

عنوان و نام پدیدآور: انزلی نیمه آب نیمن آسمان
مجموعه‌ای از انوش علی اصغری. [حوزه هنری گیلان]
مشخصات نشر: شب: فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۸: ص: مصور.

شابک: ۶۳۱-۵-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: پندر انزلی - عکس

موضوع: عکس‌ها - ایرا - پندر انزلی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹۱۳۲۶۱۰۹

رده‌بندی دیویی: ۷۹۹/۹۹۵۲۳۴۷

شماره کتابخانه ملی: ۵۶۰۰۱۲۵



فرهنگ ایلیا

انزلی

نیمه آب، نیمه آسمان

مجموعه‌ای از انوش علی اصغری

صفحه آرای: مهیار پرچم

چاپ نخست: ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شماره نشر: ۷۲۰

شابک: ۶۳۱-۵-۹۶۴-۹۷۸

آمادسازی: کارگاه نشر فرهنگ ایلیا

رشت، خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، (خ صفایی)، خ حاتم، شماره ۴۹

تلفن: ۰۱۳-۳۳۳۴۴۷۳۲-۳ // دورنگار: ۰۱۳-۳۳۳۲۱۸۲۸-۱۳

www.farhang-e-ilia.ir

یادداشت عکاس

همه‌ی علاقه‌مندان به طبیعت تا از صبح یک روز آفتابی در هفت سالگی شروع شد؛ پرندۀ زیبایی در حیاط خانۀ پدرم می‌نشینست و زمین نشسته بود و توان پرواز نداشت. پدرم قفس سفیدی خرید و برایش آب و دانه می‌نهد. من هر روز ساعت‌ها به این پرندۀ کوچک و زیبا خیره می‌شدم. بعدها برای نزدیک شدن و در آغوش کشیدن پرنده‌ها مجبور بودم آن‌ها را از شنبه‌بازار بخرم. گاهی پرنده را ساعت‌ها در دستم می‌نگاه می‌داشتم و آن‌را می‌بویدم و به چشمان سیاه مضطربش خیره می‌شدم.

بندرانزلی شهر شاعرانه و عاشقانه‌ایست. شهری که میان دریا و تالاب واقع شده و گاه می‌توان به‌دور از مشکلات دنیای امروز در آن احساس غریب‌گویی داشت. می‌توان از ابتدای روز به تماشای طلوع خورشید از پشت افق و انعکاس آن بر نوارهای نارنجی و زرد و قرمز بر گسترۀ دریا نشست. می‌شود در پایان روز با پاکتی سیم سکه‌آب گردان از روی مل (موج‌شکن)، انعکاس نورهای بنفش و نیلی و نارنجی از پس ابرهای خرم و پنبه‌ای را در غروب نظاره کرد. می‌شود با همدمی قدمی و حرفی زد و از مصاحبتی آبرینداز. در گرمای تابستان، تن به خنکای دریای‌اش سپرد و در ساحل‌اش پابرنه قدم زد. می‌شود باران‌ش چتری گرفت و در بلوار و سی متری‌اش قدم زد. می‌شود بوی دلپذیر خاک باران‌خورده‌اش

را تا عمق جان استشمام کرد. در مه غلیظ صبحگاهی اش به راه افتاد و از وهم آن لذت برد. می‌شود برای کاکایی‌ها تکه‌نانی انداخت و از ازدحام آن‌ها غرق شعف شد. یا سوار بر لوتکا (قایق ربی) از نغمه زیبای پرنده‌هایی که لابه‌لای نیزارها می‌خوانند، غرق رویا شد. می‌شود در سبیل راه قدم زد و هم‌زمان صدای آواز دستفروش‌ها و بوق کشتی‌ها را شنید و از بالای پل زیبای انزلی، قایق موتوری‌ها را شمرد و به تماشای صیادان نشست. می‌شود بندرانزلی را نیمی در آب و نیمی در آسمان دید.

غیر از این زیبایی‌ها، سربا مشکلات بزرگی دست و پنجه نرم می‌کند. تالاب زیبای انزلی در حال خشکیدن و نابودی است. هر سال از تعداد پرنده‌های مهاجری که وارد تالاب انزلی می‌شوند کاسته می‌شود و آن‌ها هم که سختی سفر را تحمل می‌کنند، مورد بی‌مهری قرار گرفته و شکار می‌شوند. زمین‌های خوار و تالاب‌سوزی و تجاوز به حریم تالاب، ورود انواع فلزات سنگین از طریق ریزخانه‌ها به تالاب، رشد و پوشش سطحی افت آذولا، شکار و صید بی‌رویه و غیرمجاز، ورود فاضلاب دریا و تخلیه زباله در محیط زیست، تجاوز به حریم دریا و ساحل، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، شهرسازی غیراصولی، ترافیک زیاد و ... تنها قسمت کوچکی از مشکلاتی است که گداز بندرانزلی را گرفته و روز به روز این شهر را در تنگنای بیشتر قرار می‌دهد.

متأسفانه بسیاری از مواهب ارزشمند و مکان‌های خاطره‌انگیز در حال نابودی‌اند و من با عکس‌هایی که طی شش سال گذشته، از چشماندازهای انزلی ثبت کرده‌ام، کوشیدم تا حقیقت روشنی از امروز این شهر را برای آیندگان دیارم به ثبت برسانم و امیدوارم این تلاش کوچک، مورد پسند دوستان و عزیزان قرار گیرد.

انوش علی‌اصغری